

ا پل دختران یعقوب ا

حسن حمید

ترجمہ: اصغر علی کرمی

www.ketab.ir

پس دختران یعقوب |

نویسنده: ادبیات | ادبیات داستانی عرب | ارمان

مؤلف: حسن حبیبی

مترجم: امیرعلی کریمی

ویراستار: رضا ده‌بیوش

مدیر هنری: گروه سری کرسمه

ناشر: انتشارات ایهام

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ جلد

www.ihampub.ir

ihampub@gmail.com

📱 @ihampub 📷

telegram ID : @ihambook

تلفگرام و تماس: ۰۹۳۸۲۸۹۰۷۹۱

کلیه حقوق این کتاب برای انتشارات ایهام محفوظ است

درنگی در کلمه

انتشارات
ایهام

سرشناسه: حمید، حسن - Hamid, Hasan
عنوان قراردادی: جسر بنات یعقوب: روایة فارسی

عنوان و نام پدیدآور: پل دختران یعقوب
مؤلف حسن حمید؛ مترجم اصغر علی کرمی

مشخصات نشر: انتشارات ایهام، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۱۳-۶۷-۹

موضوع: فهرست نویسی: فیفا

موضوع: داستان‌های عربی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: Arabic fiction -- ۲۰th century

شناسه افزودن: علی کرمی، اصغر، ۱۳۶۲، مترجم

رده بندی کنگره: PJA۴۸۰۸

رده بندی دیویی: ۲/۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۰۴۰

I H A M P U B

ناشر تخصصی ادبیات، هنر و فرهنگ

مقدمه‌ای که ناچارم بنویسم.

این کتاب، مجموعه‌ی چند کتاب است که از سیزده سال پیش به من به ارث رسیده و نخستین بار در کتابخانه‌ی جد چهاردهم «علامه الحسن شمن‌دوری» در بیت‌المقدس پیدا شده است. او از بزرگان بیت‌المقدس بود و در اواخر قرن سیزدهم میلادی و هم‌زمان با حکومت ممالیک در این شهر زندگی می‌کرد.

کتاب درباره‌ی زندگی مهاجری به نام یعقوب، دخترانش و قضایای تاریخی مربوط به آن‌هاست که در کنار یک پل قدیمی ساخته شده برنهراردن زندگی می‌کردند. به دلایلی که خواهم گفت، آن پل به نام «پل دختران یعقوب» معروف شد.

این پل در کنار روستای «شماصنه» قرار دارد که مردمش به زبان آرامی حرف می‌زنند و در شمال غربی به روستای «طبریا» می‌رسد که آن را به دریای بی‌ناور، هوای گرم و مردمان باصفایش می‌شناسند.

این سؤال وجود دارد که آیا جد بزرگ من «الیاس شمندوری» همان کسی است که زندگی‌نامه‌ی یعقوب و دخترانش را نوشته است یا یکی از اجداد او این زندگی‌نامه را نوشته و برایش به ارث گذاشته و به این خاطر به نام او ثبت شده است؟ چرا که برای نگهداری‌اش تلاش کرده و مانع به هم‌ریختگی و از بین رفتن این اوراق به دست روزگار شدن است. هیچ‌کدام از پدرانم در این زمینه با تأکید چیزی نگفته‌اند ولی نظر دوم باید درست‌تر باشد.

وقتی کتاب به دست من رسید، تلاش زیادی کردم تا بتوانم آن را به صورت شسته‌رفته درآورم. از یک سو خواستم شاخ و برگ اضافی و روایت‌های عجیب و غریب آن را قیچی کنم و از سوی دیگر، حواصی‌های عاطفی و داستان‌های شگفت‌انگیز راجع به مسائل جنسی و امثال آن را خارج کنم. به این جا که رسیدم دیدم قصه را به کلی از بین برده‌ام، ساختار دل‌انگیز آن به هم ریخته و زیبایی و زنده بودنش از دست رفته است. پس برای دومین بار روی قصه کار کردم. همان‌طور سومین بار تا دهمین بار و هر بار که به پایان کار می‌رسیدم و مانند یک خواننده متن را از سره می‌کردم، متوجه می‌شدم که متن اصلی زیباتر، دلنشین‌تر و با ارزش‌تر به نظر می‌رسد و گویا کاری که من روی قصه انجام داده‌ام باعث شده است که ساختار داخلی اثر فرو بریزد.

در نهایت پس از سال‌ها تلاش و تبادل نظر و گفت‌وگوی طولانی، صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدم که اصل قصه را بدون کم و کاست و تغییر حتی یک حرف چاپ کنم و حتی شرح‌ها، اضافات و حاشیه‌های کتاب را نیز به همان صورت که بوده به شر کنم.

امروز که داستان زندگی یعقوب و دخترانش را به‌طور کامل چاپ می‌کنم باید تأکید کنم که حتی یک حرف به آن اضافه نکرده‌ام و همه را همان‌طور که از جدم «الیاس شمندوری» به من رسیده، منتشر کرده‌ام. باشد که خداوند جدم را رحمت کند و خیر و برکت این کار به روح آن بزرگوار برسد، زیرا به خاطر او بود که ما خواندن و نوشتن آموختیم و بعد از او نیز خواندن و نوشتن شغل اصلی ما شد و به واسطه‌ی این شغل مردم را شناختیم و آن‌ها هم از ما شناخت پیدا کردند.

تنها دخل و تصرفی که در این کتاب داشتم این بود که پدر بزرگم فصلی را به نام پیوست در انتهای کتاب آورده بود و من آن را در ابتدای کتاب قرار دادم، زیرا اندیشیدم که اگر در پایان کتاب باشد هیچ فایده‌ای نخواهد داشت چرا که این پیوست نه تنها خلاصه‌ی حوادث داستان نبوده و دربرگیرنده‌ی نتیجه‌گیری خاصی نیست بلکه به نوعی بستر و زمینه‌ساز جریاناتی است که در آینده پیش می‌آیند و در داستان خواهند آمد. از آرزوها و دغدغه‌های شخصیت‌های داستان می‌گوید که چگونه واقعیت زندگیشان را می‌سازد. این مقدمه نه باعث از بین رفتن جذابیت و تازگی شخصیت‌های داستان می‌شود و نه ریزه‌کارهای سرسبز و حرص و طمع درونیشان را پیش از زمان لازم برملا می‌کند. از آن مقدمه‌ها است که تلاش می‌کند تا معانی روی الفاظ به خوبی سوار شوند و پیرایه کاری و نکته‌بازی است. این مقدمه حرکت به سمت معنی و مفهوم داستان است که تنها در ابتدای آن نیست و در پایان ماجرا نیز می‌تواند بیاید.